

شُرکت والدین در کارهای تحصیلی کودکان

هر پدری از پیشرفت اطفالش در دروس خوشوقت و از عدم آن متأثر می‌گردد لیکن اغلب والدین تشخیص نمی‌دهند که وظیفه خود آنها در کارهای تحصیلی فرزندانشان چیست. در این مورد در نظریات والدین اختلافات گوناگونی وجود دارد. بعضی در کمک کردن باطفال خود بیش از حد لزوم فعالیت می‌کنند. بعکس بعضی خود را کاملاً برکنار نگاه میدارند و هیچگونه کمک و راه‌نمایی بفرزندانشان در کارهای تحصیلی نمی‌کنند.

خود من هم هنگام تربیت پسر من نتوانستم از نخستین اشتباه اجتناب کنم. از بدو دوره تحصیلی پسر من در مدرسه نمیدانم چرا تصور میکردم که او برای ریاضیات استعداد ندارد. عادت ما این شده بود که هنگام انجام تکالیف مدرسه به‌لوی او می‌نشستم و بوسیله سؤالهای راهنمایی کننده و نقشه‌ها و رسم شماتیک در حل مسائل با او کمک میکردم. در کلاس چهارم پسر من بدست معلمه بسیار آزموده افتاد. معلمه او را مثل سایر بچه‌ها تحت مراقبت قرار داد و باین نتیجه رسید که بکار کردن مستقل عادت ندارد.

هنگام ملاقات معلمه من چنین گفت: «من خوب تشخیص میدهم که شما در حل مسائل به پسران کمک می‌کنید. همین علت او بخودش اطمینان ندارد و هنگام جواب دادن درس خجالت میکشد و دستپاچه می‌شود. باید او را وادار کرد که مستقل کار کند و او هم کاملاً استعداد این کار را دارد.»

چون خودم هم کاملاً این اشتباهم را احساس میکردم لزومی نداشت که مرا متقاعد کنند. باهم قرار گذاشتیم که متفقا يك خط مشی را تعقیب کنیم. در منزل من حرف‌های معلمه را به پسر من گفتم و بطور قطعی اعلام نمودم که او باید از آن روز بی‌حد تمام دروسش را مستقلاً حاضر کند و پس از حاضر کردن برای مطالعه و رسیدگی بمن نشان دهد. البته استقامت در مقابل اشک‌ها و التماس‌های پسر من و تلاشی که برای اثبات عدم توانایی خودش در حل مسائل و خستگی خود می‌نمود کار آسانی نبود لیکن در عوض باچه مسرتی اولین کارهای مستقل او را حسن استقبال و تمجید و تحسین میکردم. مسرت من با او اثر کرد. بعضی حل کردن مسئله با لحنی که آثار پیروزی و شرف از آن هویدا بود بانگ میزد: «حاضر است. خودم حل کردم.»

معلمه هم بنویت خود حس اطمینان و اعتماد بقوایش را باو تلقین میکرد. روزی پسر من

بن گفت: «مادر جان، میدانی، معلمه ما دارای قوه مغناطیسی است. مسئله ای برای امتحان داده بود. من نشسته بودم و فکر میکردم که نخواهم توانست حل کنم. او بن نزدیک شده گفت: اطمینان دارم که تو این مسئله را حل خواهی کرد؟ او طوری این حرف را گفت که من فوراً فکر کردم: راستی هم حل خواهم کرد، و می دانی؟ حل کردم.»

با اشتراك مساعی ما توانستیم بر عدم اعتماد پسرک بخودش فائق گردیم و بر کوشش او برای گریز از اشکالات کار مستقل غلبه نماییم.

بمدها که من با سایر خانواده ها آشنا شدم متقاعد گردیدم که این قبیل اشتباهات غالباً رخ می دهد. مادر قوم تمام اشعاری را که در مدرسه تعیین می کردند با پرسش حفظ می کرد. پسرک چنان باین کار عادت کرده بود که قادر نبود حتی يك سطر شعر را از حفظ کند.

مادر الیزابت نقشه کش قابلی است. لیکن بجای این که تجربه خود را بدخترش پیاموزد تمام رسم های او را شخصاً می کشید تا این که معلم تفاوت عجیب بین کارهای مدرسه و خانه او را کشف کرد.

پدر ژرژ هم شهری من در حل مسائل پسرش کمک می کرد. او هم تمام درسهایش را حاضر کرد و فقط برای حساب منتظر مراجعت پدرش می شد تا مسأله را که برای منزل داده بودند با کمک او حل کند. نتیجه تمام این اشتباهات تقریباً یکسان بود. بچه ها استعداد کار کردن مستقل را از دست می دادند. همیشه دچار تردید و عدم اعتماد بخود بودند و در موقع جواب دادن یا کارهای کتبی در مدرسه گیج می شدند. علاوه بر آن بچه ها بیشتر مایل بتنبلی شده سعی میکردند از کار بگریزند و کار خودشان را بعهده دیگری واگذار نمایند. آیا لازم است گفته شود که چنین کمکی در آینده موجب چه زیانهای برای دانش آموزان میشد، مخصوصاً اگر بخواهیم آنها آدم مستقل و آزادی بیار بیایند؟

جنبه افراطی دیگر هم زیانش کمتر از این نیست. یعنی اینکه والدین لازم ندانند کارهای درسی اطفال خود را رسیدگی و آنها راهنمایی کنند و آنان را بکلی باختیار خود آزاد و مستقل گذارند.

مادر لئون شاگرد کلاس چهارم بهیچوجه توجه نمی کند باینکه پسرش چطور درسهایش را حاضر می کند. او فقط از پسرش يك چیز می خواهد که در امتحانات سه ماهه دارای نمره ضعیف نباشد. لئون می فهمد که مادرش از او چه می خواهد و حقیقتاً هم... او نمره ضعیف ندارد.

لیکن موقع امتحانات سالیانه نزدیک شد و او جزو عده تحت سرپرستی من بود که باید بآنها کمک کرد تا برای امتحان سالیانه حاضر شوند. من با حیرت متوجه شدم که لئون دروسهای حساب گذشته را ابدانی داند و حتی قادر نیست ساده ترین مسائل را حل کند پس چه حيله ای بکار برده است که در هر امتحان سه ماهه نمره رضایت بختر از رضایات گرفته است.

از صحبت با معلمش مطلع شدم که لئون مسأله را که برای منزل داده می شد؛ منظم حل میکرد و کارهای امتحانی سه ماهه او هم خوبست ولی هر وقت که او را پای تخته صدا می کنم سراسیمه و آشفته می شود و قادر نیست يك کلمه حرف بزند. معلم علت بد بودن

جواب‌های شفاهی او را از همین صفت امیدانست :

لیکن از رفقای لئون من چیز کاملاً دیگری شنیدم. لئون همیشه حساب را کارمشکل و کسالت‌آوری میدانست ولی ترس از مادرش او را وادار می‌کرده است تا کاری نکند که در آخر سه‌ماه نمره رضایت‌بخش در ریاضیات داشته باشد او از آزادی کامل درس خواندن و این که کسی در کارهایش نظارت و مراقبت نمی‌کند استفاده کرد باژاک که حسابش خوب بود قرار گذاشت که در مقابل اجرت ناچیزی مثل سرفلم، مداد پاک‌کن و غیره هم‌روزه مسائل حساب او را حل شده تحویلش بدهد و او در دفتر خود با کنویس می‌کرد. در مدرسه هم ژاک جلوی لئون می‌نشست و در موقع امتحان سه‌ماهه مسئله حل کرده را روی تکه کاغذی نوشته و محرمانه به لئون می‌داد. سه امتحان سه‌ماهه باین نحو بخوبی گذشت.

بدیهی است که در این مورد باید معلم را هم مقصردانست که مراقب تمام این جریانات نبوده است. لیکن معلوم شد معلم هم از بی‌زبانی لئون حیرت کرده بود کراراً مادرش را بدروسه دعوت کرده است. در چهارمین بار مادر او بدروسه آمده معلم را متقاعد کرده بود که لئون از بدو تولد همین‌طور محبوب و مرعوب بوده است. او مؤکداً تصدیق می‌کرد که لئون در سه‌پایش را شخصاً در خانه حاضر می‌کند مادر لئون در صحت اظهاراتش کمترین شککی نداشت زیرا هر وقت از کار بر می‌گشت لئون را مشغول حاضر کردن درس میدید.

کشف من برای مادر لئون غیر مترقبه بود. او بدون این که فکر بکند تمام تقصیر را بعهده معلم و پسرش تشخیص داد. رهبر کلاس و معلم ریاضیات خیلی زحمت کشیدند تا آن دروغگو را از مجازات شدید معاف کردند و بمادرش ثابت نمودند که مقصر اصلی و عمده خود اوست.

۵۵۶

این قبیل وقایع را من در خانواده‌های دیگر هم دیده‌ام که والدین اطفال بسیار سختگیر بوده‌اند؛ لیکن کمترین توجه و علاقه نسبت بطرز درس خواندن و تحصیل اطفالشان ابراز نمی‌داشتند.

باید تشخیص داد که پرورش و بسط آزادی اطفال برای حاضر کردن درس نباید موجب آن شود که بچه‌ها در درس خواندن و درس حاضر کردن بچه‌هایی که از بزرگترهای خانواده حضور داشته باشد. این کار بچه‌ها را وادار بکار با انضباط میکند ولی اگر حضور اشخاص بزرگتر همیشه امکان‌پذیر نباشد آنوقت رسیدگی بدروسهائی که بچه حاضر میکنند کمال ضرورت را دارد.

هیچ تردیدی نیست که گاهی باید بطفل کمک کرد، ولی این کمک باید میزان وحد معینی داشته باشد. سؤالات راهنمایی کننده، تصاویر، نقشه‌های شماتیک که من مورد استفاده قرار میدادم از طرف بسیاری از والدین مورد استفاده واقع می‌شوند. حتی غالباً معلمین هم توصیه می‌کنند که از آنها استفاده شود. این طرز کمک مسلمان‌زبان دارد، اما در بعضی موارد که ما مشاهده می‌کنیم که مسئله حقیقه حل نمی‌شود این طرز کمک اشکالی ندارد.

برای این که پسر من نتواند مرا فریب دهد در منزل این قاعده و رسم را برقرار کردم. برای هر مسئله که او شخصاً و بدون کمک حل نمی‌کرد یک یاد مسئله اضافه بر درس باو میدادم. این اقدام بزودی موجب شد که دیگر او از قصد گریز منصرف گردد و شخصاً و مستقلاً مسائل را حل کند.

ارتباط دائمی والدین با مدرسه یکی از شرایط ضروری درس خواندن موفقیت آمیز اطفال است . معلم با خانواده وسیعی سروکار دارد و در نظر گرفتن و مراقبت صحیح رفتار هر فرد آن خانواده کار بسیار مشکلی است . والدین موظفند معلم کمک کنند . معلم را با اخلاق و رفتار مخصوص فرزندان خود آشنا سازند .

متأسفانه این کار همیشه عملی نمی شود . غالباً همان والدین که فرزندان شان نمره های بد دارند به جامع والدین نمی آیند . این موضوع کاملاً طبیعی است زیرا عدم موفقیت اطفال در درس خواندن قبل از هر چیز دلیل رفتار نادرست والدین آنها نسبت باین موضوع است .

رودلف شاگرد کلاس پنجم تقریباً در تمام دروس نمره بد دارد ، والدین او به مدرسه نمی آیند ، در مجامع والدین شرکت نمی کنند ، بدعوت های رهبر کلاس هم بی اعتنا هستند . معلم رهبر کلاس از عدم موفقیت رودلف ناراحت بود و شخصاً بمنزل او رفت . در آن جا معلوم شد که رودلف والدینش را فریب داده و آنها را مطمئن کرده است که درسهایش خوب است . ضمناً معلوم شد که هر هفته امضای پدرش را در کارنامه تقلب می کرد و پدر و مادرش اصولاً خبر نداشتند که کارنامه ای هم وجود دارد . دور بودن والدین از مدرسه منجر بچنین عواقب وخیمی می شود . این کارهای آن پسر نتیجه بی قیدی و بی اعتنائی والدین او نسبت بدرس خواندن فرزندان او بوده است .

همچنین نباید وسایل تشویق و تنبیه را که والدین نسبت باطفالشان عمل می کنند از نظر دور داشت . در این مورد هم اشتباهات شفاهی رخ می دهد مثلاً در مقابل نمره های خوب اطفال پول میدهند . درحقیقت نمره های خوب آنها را با پول خریداری میکنند . من پسری را می شناختم که عادت کرده بود تا هر وقت در مدرسه نمره عالی میگرفت با اشتاب بمنزل میرفت و میگفت «پنج ریال لطف کنید!» مقصود این نیست که باید از تشویق اطفال در مقابل خوب درس خواندن صرف نظر کرد ولی هرگز نباید جنبه مقاطعه کاری یا سودجویی بآن داد .

مهمترین مایه مسرت و شرف برای شاگرد باید همان درس خواندن و پیشرفت و کامیابی او باشد ، نه هدیه ای که در مقابل موفقیت با او میدهند . همین طور هم نباید در تنبیه زیاد روی کرد . این کار ممکن است موجب آن شود که بچه بکلی از درس خواندن بیزار و منصرف شود .

بهترین وسیله تأثیر در دانش آموزی که از درس خواندن میگریزد تأثیر اخلاقی است .

میخواهم مثالی بعنوان نمونه بیاورم .

بوب منظم و متوالیادرسهایش را حاضر نمیکرد . مادر او در راه آهن کار میکرد مثل سایر همکارانش هفته بهفته نمی توانست بخانه بیاید . بوب با مادر بزرگ بیمارش دروخانه میماند و اختیار دار خودش بود .

مادرش از کار کتان درجه یک بود . بدستور ما او پسرش را بهجلسه باشکوهی برد بوب با تعجب و شرف دید که نسبت بمادرش چه احترام و تجلیلی می کنند . مادرش پشت میز هیئت رئیسه نشسته بود . با هدیه تقدیم کردند . با او صحبت می کردند و او را سرمشق دیگران قرار می دادند . رفیقه مادرش که پهلوی بوب نشسته بود او را در آغوش کشیده

گفت : «خوب، بوب، ابن تجلیل واحترام برای مادر تست ! یقین توهم بدکار نمی کنی، خیلی خوب درس می خوانی.» بوب از خجالت سرخ شد. به محض آنکه فرصت یافت گریخته و بمنزل رفت. وقتی مادرش بخانه آمد او را دید که اشک از چشمانش میبارد . پسرک سخت منقلب شده بود، قول داد که بعد از آن درس بخواند و اسباب روسیاهی مادرش نشود . بوب بهمد خود وفا کرد .

این واقعه بخوبی نشان می دهد که شیوه زندگی والدین، سرمشقی که طفل برای العین می بیند چه تأثیر عظیمی در پرورش اطفال دارد . رفتار خود ما نسبت بکار، بزنده گی ، نسبت بر وظیفه ای که داریم موجب موفقیت در حل مسئله ای است که در مقابل ما والدین قرار دارد و عبارت است از : کمک کردن با اطفال برای این که بکارشان علاقمند شوند ، درس خواندن را هدف درخشان و عالی خود بدانند و ما باید بآنها بیاموزیم که بنا اصرار و استقامت همیشه بسوی هدف خود بروند .

ناصر خسر و شاعر قرن پنجم

۵۵۸

خطابی بگزاره سرایان

بدانش دبیری و نه شاعری را
یکی نیز بگرفت خنیاگری را
رخ چون مه و زلفک عنبری را
که مایه است مرچهل و بد گوهریرا
دروغست سرمایه مر کافری را
کند مدح محمود ، مر عنصری را
مرین قیمتی در لفظ دری را

نکر نشهری ای برادر گزاره
اگر شاعری را تو پیشه گرفتی
صفت چند گوئی ز شمشاد و لاله
بعلم و بگوهر کنی مدحت آنرا
بنظم اندر آوری دروغ و طمع را
پسند است با زهد عمار و بوذر
من آنم که در پای خوکان نریزم